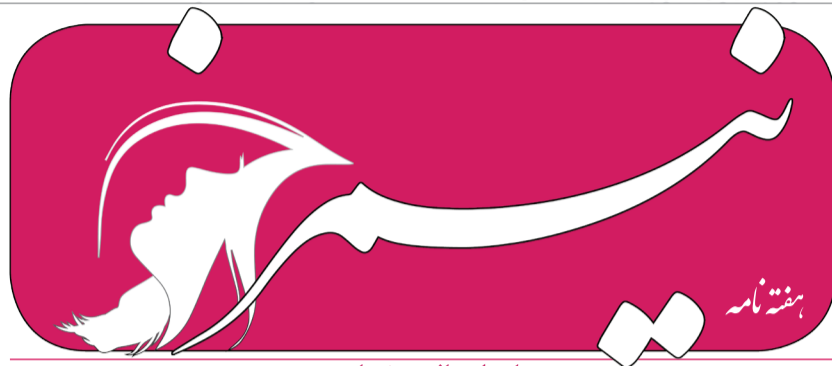


دوکتور حمیرا قادری داستان نویسی
معاصر و از برندگان جایزه ادبی
صادق هدایت.

بار سنگین معنای
«جنس دوم»



سال اول
شماره ۱۷
دوشنبه
۱۱ جدی ۱۳۹۶
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
January 01, 2018
Vol. 1
No. 17



اینجا، چراغی روشن است

نقد و بررسی

من بی باک هستم، من شکایت نمی‌کنم.
حتی زمانی که چیزهای وحشتناک برایم
اتفاق می‌افتد ادامه می‌دهم.

صوفیا ورگارا (کارآفرین /
بازیگر / کم‌دین)

سال‌ها زنان در پشت خانه‌ها با یک
زندگی مشقت‌باریتم جمع کرده‌اند، امروز
آنها کار برابرخواسته می‌شود. و زمانی
هم اندک مشکل ایجاد شد گفته می‌شود
که خانم‌ها توانایی ندارند.

اگر فرصت برابر وجود می‌داشت ما امروز برابر رییس جمهور کرسی و رییس جمهور غنی، خانم‌هایی را هم داشتیم



تظاهرات و یا هر شکل دیگری از تجمع‌های مسالمت‌آمیز را برگزار نموده و از این طریق، صدای خود را به گوش مقامات حکومتی رسانده و از حقوق‌شان دفاع می‌نمایند. اهمیت حق اجتماعات مسالمت‌آمیز در نظام‌های دموکراتیک، بیان نیازها و تقاضاهای شهروندان، از حقوق اولیه آنان است و نقش زیادی در تقویت دموکراسی و ثبات در یک کشور دارد. بیان تقاضاها از تجمع ناراضی‌ها جلوگیری نموده و مانع از جنگ و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌گردد. از این طریق مردم، نیازمندی‌های خود را به مقامات حکومتی انتقال می‌دهند و ناراضی‌ها خود را از سیاست‌های آنان اعلام می‌نمایند؛ اما اگر شهروندان نتوانند تقاضاها و ناراضی‌های خود را به صورت مسالمت‌آمیز بیان کنند، این ناراضی‌ها تبدیل به خشم و نفرت شده و سرانجام منجر به جنگ و خشونت خواهند شد. بنابراین برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز، مناسب‌ترین شیوه بیان تقاضاهاست و از تجمع ناراضی‌ها جلوگیری می‌کند و نقش زیادی در تحکیم دموکراسی، ثبات و تقویت مناسبات جامعه و دولت دارد.

برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز در اسناد حقوق بشر
این حق در اسناد و منابع حقوق بشر به این صورت بیان شده است:



حسینیت
دکتر محمدجواد صالحی

جنرد و برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز

مفهوم اجتماعات مسالمت‌آمیز
تشکیل تجمعات اعتراضی، گام‌های آغازین مشارکت سیاسی است که نشان می‌دهد شهروندان در گام نخست به حقوق و امتیازات سیاسی و اجتماعی‌شان آگاهی یافته و در گام بعدی مصمم شده‌اند که برای تأمین آن وقت و انرژی صرف نموده و برای آن هزینه بپردازند. این نوع مشارکت سیاسی هرچند متفرق و پراکنده است اما نشان‌دهنده رشد فکری شهروندان، آگاهی آنان از منافع خود و درک قدرت جمعی و اهمیت حرکت‌های گروهی برای رسیدن به اهداف‌شان می‌باشد. مشارکت زنان در جنبش‌های اعتراضی نیز، بدان معناست که زنان قدرت تشخیص منافع خود را باز یافته و آماده دفاع از آن می‌باشند. برای تأمین منافع خود و دفاع از آن و یا در اعتراض به سیاست‌های حکومت، سخنرانی، راهپیمایی،



تحلیل
فاطمه روشنیان

زنان، تحصیل و شغل

امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث در مورد زنان، مسئله تحصیلات و حضور زنان در حوزه‌های عمومی، از جمله نقش و حضور آنها بازار کار است. با این حال با توجه به فرصت‌های که در ۱۳ سال اخیر وجود داشت، آن گونه که باید در این زمینه کار صورت می‌گرفت، نگرفته و تا هنوز هم حضور زنان در بازار کار کشور افزایش چشم‌گیر نیافته و موانع بسیاری بر سر راه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان وجود دارد. همچنان در باره وضعیت اشتغال و فرصت‌های شغلی زنان تحصیل کرده هیچ توجهی صورت نگرفته است. عوامل آن را می‌توان بی‌مسئولیتی و از دست دادن فرصت‌ها توسط دولت دانست. که نتوانسته زمینه‌ی را مساعد بسازد تا به صورت درست از ظرفیت‌ها و توانایی‌های بانوان در عرصه‌های مختلف بازار کار استفاده موثر صورت بگیرد. همچنان علت دیگر آن، باورهای ناپسند رایج و حاکم در جامعه‌ی سنتی نسبت به حضور زنان در بازار کار است.

جنرد و برگزاري اجتماعات مسالمت آميز



خود، از فردای پیروزی انقلاب فرانسه شکل گرفت. انقلابیون فرانسه مشارکت سیاسی زنان را انکار کردند و حقوق سیاسی و مدنی آنان را نپذیرفتند. از این رو زنان فرانسوی مبارزات خود را برای کسب حقوق خود آغاز نمودند. جنبش‌های اعتراضی زنان در قرن نوزدهم منظم‌تر گردید و برای کسب حق رأی در بسیاری از کشورهای اروپایی تداوم یافت. در قرن بیستم مبارزات گسترش بیشتری یافت و بعد از جنگ دوم جهانی به یک واقعیت سیاسی تبدیل گردید.

امروزه جنبش‌های اعتراضی زنان، در سراسر جهان فعال است و آنان برای تأمین حقوق‌شان علاوه بر مناسبت‌های ویژه زنان اعتراضات گروهی شان را اعلان می‌نمایند. اعتراضات جهانی زنان بر ضد سیاست‌های ترامپ گویای این امر است.

جنرد و برگزاري اجتماعات مسالمت آميز در افغانستان
مشارکت زنان در جنبش‌های اعتراضی در افغانستان نیز دارای سابقه طولانی است و به دهه دموکراسی باز می‌گردد. در این دوران که جنبش‌های مدنی به‌ویژه در میان دانشجویان و روشنفکران شکل گرفته بود، زنان نیز حضور فعال داشتند و دوشادوش سایر دانشجویان در حرکت‌های اعتراضی شرکت داشتند. این روند در سال‌های بعدی در داخل و خارج افغانستان نیز تداوم یافت و آنان در اجتماعات سیاسی و مدنی کشور سهم نسبتاً فعالی داشتند.

دوران جدید را می‌توان فصل شکوفایی جنبش‌های مدنی زنان تلقی نمود. در این دوران زنان سهم فعالی در بسیاری از جنبش‌های اعتراضی دارند و در مواردی نقش پیشگامی را ایفا می‌کنند. کمیت و کیفیت فعالیت‌های سیاسی زنان گسترش بی‌پیشینه‌ای یافته و آنان توانسته‌اند فعالیت‌های اعتراضی مستقلاً را سازمان‌دهی نمایند.

هرکس حق آزادی اجتماع صلح‌آمیز و آزادی مشارکت با دیگران، شامل حق تشکیل یا الحاق به اتحادیه‌های صنفی برای حمایت از منافع خود دارد.

برگزاری اجتماعات مسالمت آمیز در قانون اساسی
قانون اساسی در مورد این حق می‌گوید:

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر
ماده بیستم:

- هرکس حق دارد از آزادی انجمن‌ها و مجامع مسالمت‌آمیز برخوردار باشد.

- هیچ‌کس را نمی‌توان به عضویت، در جمعیتی اجبار کرد.

(۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
ماده بیست و یکم:

حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد؛ جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت و یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده بیست و دوم:

هر کس اجتماع آزادانه با دیگران را دارد، از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنعتی) و الحاق برای حمایت از منافع خود. اعمال این حقوق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی، نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پولیس در اعمال این حق تابع محدودیت‌های قانونی شوند.

هیچ یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین‌های مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد آورند.

جنرد و برگزاري اجتماعات مسالمت آميز
مشارکت زنان در جنبش‌های اعتراضی، هرچند سابقه طولانی دارد اما جنبش مستقل زنان برای دفاع از حقوق

اجازه‌ی خلوت می‌دهم و به اتفاقات که افتاد و می‌افتد فکر نمی‌کنم، آن وقت است که احساس واقعی من مثل آیین‌های بزرگی که عقیش صیقل زده از نقره‌ی پاک و اصیل است در پیش چشم‌مان نمایان شده و من با تمام وجود، خودم را سر تا پا ورنانداز نموده از وجود انسانی ام احساس غرور می‌نمایم. ولی در واقعیت جهان بیرون که من در آن زندگی می‌کنم همه‌ی این‌ها خیالی بیش نیستند. من برای لحظه‌ای در دنیایی خیالی خودم زندگی می‌کنم. دنیایی که در آن من یک انسانم، نه اولم و نه دوم و همه چیز یکسان است. ولی در دنیایی واقعی من همه چیز بر عکس آن. من از خودم و دنیایی خودم حرف می‌زنم. دنیایی که پر از آشوب و دگرگونی‌هاست. و نکته‌ی قابل توجه این است که به جای کسانی که عامل این دگرگونی‌ها و آشوب‌ها بوده من قربانی شده‌ام و ضربات سنگینش بیش‌تر مرا تکان داده است. یکی دزدید، یکی آشوب کرد، یکی غارت کرد و نظم جهان را به هم ریخت اما در حالت بی‌گناهی درد همه‌ی این‌ها را من کشیدم. من سنگ‌سار شدم و زنده به آتش کشیده شدم اما شعله‌هایش را یکی از طمع هم‌چون وجود من فروزان نموده، از جرق جرق استخوان‌های من و امواج خروشان آتش به خود لرزید و دیوانه وار رقصید. اینگونه است جهانکه من متعلق به آنم. آشفته و همه چیز در آن دگرگون. «انسان گرگ انسان» و این موجود که نامش وجود برتر است همیشه در حال دریدن و از هم پاشیدن هم‌دیگر. در این دنیایی نا به سامانی‌ها اما؛ زن موجودیست که بدون در نظر داشت قدرت‌مندی‌هایش در رابطه با حفظ بقای بشر همیشه پیش‌تر و وحشتناک‌تر مورد ستم واقع شده و نادیده گرفته است.

با در نظر داشت تمام این‌ها من امیدوارم که روزنه‌های گشوده شود و با استفاده‌ی درست از وقت و ابزار که در دست داریم بتوانیم عاملین گشوده شدن همان روزنه‌ی امید باشیم برای زندگی بهتر و فضای مملو از احساس انسانیت در مرحله‌ی که دیگر جنسیت معنای نداشته باشد.

جنسیت
کمر ریحانه رها

بار سنگین معنای «جنس دوم»

«موجودی که با غم‌انگیزترین نحو با سرنوشت خومی کند. زن؟ هواداران فرمول‌های ساده می‌گویند که زن چیزی بسیار ساده است: رحم، تخمدان، موجودی ماده؛ همین کلمه برای تعریفش کافی است. صفت ماده در دهان مرد، طنین دشنام‌گونه دارد؛ ولی مرد از ویژگی حیوانی خود شرمناک نیست، حتی بر عکس اگر در باره اش گفته شود که «او نر است» احساس غرور می‌کند.» سیمون دوبووار در حقیقت هر وقت که به کلمه‌ی «جنس دوم» فکر می‌کنم هرگز قبول نمی‌توانم که این کلمه را به من نیز نسبت می‌دهند. با این حال اما نمی‌توانم واقعیت را نادیده بگیرم و اینگونه است که یکم می‌خورم با فکر کردن به کلمه‌ی جنس دوم. به خودم فکر می‌کنم و به این مسئله‌ی که هیچ زن و دختری مستثنا از من نیستند. بنابراین در این مورد کنجکاو می‌شوم و می‌اندیشم، می‌اندیشم به مفهوم «جنس دوم».

آه! چه معنایی سنگینی را با خودش حمل میکند این کلمه! اما بر من باور اینکه: نای انسانیت نوای فشنگی دارد، تاثیر قدرت‌مندی می‌گذارد.

گاهی وقتی به تنهایی با خودم خلوت می‌کنم به دور از همه ناپاکی‌های جهان و اهالی جهان، به ذهن من که تنهایی‌اش هم‌چون آب زلال و روان از قعر چشمه‌ی از دل طبیعت فوران است، طنین نوای انسانیت آرامش می‌بخشد و برای جهانیان امنیت خلق می‌کند. در لحظات که برای فرار از افکار بد و ناپاک و حادثات وحشتناک به خودم



د طالبانو د وتلي قوماندان ملا افسر په گډون شپږ طالب وسله وال چې د خوگياڼيو په ولسوالۍ کې د سولې له پروسې سره يو ځای شوي دي. له ټولو وسله والو غواړي مخکې له دې چې ناوخته شي، د دوی لاره خپله کړي.

ملا افسر وويل: "د اسلام د مقدس دين لارښوونه داده چې خپل له ارزښت نه ډک ژوند د خلکو په خدمت کې تېر کړئ، نه د ملت په بربادۍ کې."

جگړه د حل لار نه ده، سوله غوره کړئ!

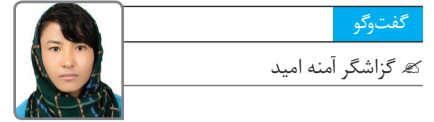


شش تن طالب مسلح به شمول ملا افسر قوماندان برجسته آنها که در ولسوالی خوگیاڼی به پروسه صلح پیوستند، از سایر شورشیان می‌خواهند که قبل از اینکه دیر شود، راه آنها را تعقیب کنند.

ملا افسر گفت: "روش دین مقدس اسلام زندگی با وقار است که در خدمت هموطنان باشد، نه در ویرانی ملت."

جنگ راه حل نیست، صلح را انتخاب کنید!





گفتگو
گزارشگر آمنة امید

اگر فرصت برابر وجود می داشت ما امروز برابر رییس جمهور کزی و رییس جمهور غنی، خانم‌هایی را هم داشتیم

ناهید فرید؛ لیسانس حقوق و ماسترمدیریت سیاسی و روابط بین الملل است. اومی گوید در فرصت‌های تحصیلی، معمولن در افغانستان دختران با مشکلات زیادی روبرویند. انتطاعی که در زمان طالبان در تحصیل من به وجود آمد، باعث شد وضعیت بسیار نا گوری را تجربه کنم؛ اما به دلیل اراده و انگیزه ای که داشتم، تمام درها برویم باز می شد. من از یک خانواده ی متوسط و با بگرون بسیار معمولی وارد دنیای سیاست شدم. و فکرمی کنم خشت های اول موفقیتیم را، دوران تحصیلم گذاشت.

بانوفرید زندگی زنان در ولایت هرات و دسترسی آنها به فرصت‌ها چگونه است و در ضمن هرات به عنوان یک شهر فرهنگی که زمانی مرکز رنسانس فرهنگی شرق یاد می شد، چرا امروز به مکانی برای خشونت و خود سوزی زنان تبدیل شده است؟
درست گفتید هرات شهر گور شاد است. گور شادی که رهبرو پیشتاز امپراتوری تیموریان در تمام این حوزه که از ترکیه ی عثمانی تا به هندوستان گستره ی قلمروان می رسید، و توانست با دستاورد های کلان خودش با دانایی، سیاست و با آگاهی و تأثیر گذاری تمام، امپراتوری کند. اما متأسفانه هرات، هرات آن زمان نیست. جایگاه زنان، جایگاه به شدت تقلیل یافته و نگران کننده ای است. تبعیض نسبت به زنان، عدم پشتیبانی سیاسی و اقتصادی برای زنان، اعتماد به نفس آنان را برای وارد فعالیت شدن بسیار تضعیف کرده است. اما این دلیل نمی شود که ما بگوئیم که خانم های هرات توانا نیستند. در هرات بانوانی را داریم که با مافیا جنگیده اند، با گروه های مختلفی که علیه زنان، تبعیض روا می داشتند، مبارزه کرده اند؛ ولی حامی کافی نداشتند. دلیل دیگر هم اینست که سیستم و ساختار هم حامی خوبی برای زنان نیستند. یک خانم اگر خواهد به حق خود دسترسی داشته باشد، در وضعیتی که در محاکم فساد است، در سازمانی فساد است، طرف مقابل پول دارد و رشوت می دهد، و در آخر روز زنی که پول ندارد قربانی می شود. چالش دیگر اینکه زنان هرات و جنبش های آزادی خواهانه و کسانی که فکرجدی را عملن وارد جریان روشن فکری کرده اند، اما اینها با یک برخورد تبعیض آمیز و بسیار خشن از طرف مقابل رو بروده اند. دلیل اصلی که در هرات خشونت‌ها را داریم، ایجاد یک گفتگمانی است زنان آزادی می خواهند و جامعه برای دادن این آزادی آماده نیست. فکرمی کنم زمان می خواهد. بسیج ملی، مبارزه، توجه و اصلاح سیستم را می خواهد؛ تا همین گفتگمان را به نفع زنان تغییر دهد.

برای تغییر وضعیت و اصلاح سیستم، بانوان که پیشگام شده اند چقدر موفقیت داشتند؟
موفقیت های زیادی وجود داشته، بانوان توانایی های شان را ثابت کرده اند؛ اما از آنجایی که اولویت حکومت مسایل مثل امنیت و دیگری های دیگری است، فراموش کرده که نیم جمعیت کشور عملن قربانی خشونت است. در انتخابات ۲۰۱۴ طبق آمارها زنان ۴۰٪ شرکت کردند؛ اما حالا حضور کیفی آنان در عرصه ی تصمیم گیری در حکومت ۴۰٪ نیست، ۲۰٪ هم نیست و ۱۰٪ هم نیست. زنان عملن خودشان را حذف شده حساب می کند. به دلیل اینکه اجزای و رای آنان سو، استفاده شده است. زیرا زنان رای دادند تا تغییری در سرنوشت شان رونما گردد و در توزیع قدرت سهم داشته باشند؛



FARID Naheed

ولی زمانی که انتخابات تمام شد، یک قسمت قدرت را حزب برد، قسمت دیگری را قوم برد و فراموش شد که نیمی از این جامعه به حکومت مشروعیت بخشیده است ولی کنار گذاشته شده است. کاری که ما زنان می توانیم انجام بدهیم، تلاش کنیم که تضمین هایی قابل اعتباری را از حکومت های آینده بگیریم. وقتی که زنان قسمتی از مشروعیت اند، باید قسمتی از قدرت هم باشند.

گفته می شود زنان به این دلیل حضور کیفی ندارند که نتوانسته اند از آدرس زنان نماینده ی زنان باشند، بیشتر به همان جریان، حزب یا پشتوانه ی سیاسی که برای رسیدن آنها به یک موقف کمک کرده است، کار کرده اند؟
موافق نیستیم؛ این یک بحثی است برای تضعیف و تقلیل حضور زنان، در عرصه ی سیاسی. برعکس باورمند هستم اگر زنان نقش موثر در تصمیم گیری ها داشته باشند، میزان فساد اداری کم می شود. قوم بازی و روابطی از این قبیل کم می شود. اگر حضور زنان باشد، کار با صداقت بیشتری صورت می گیرد. و این ثابت شده است. نمونه های آنرا در حکومت قبل دیده بودیم. خانمی که وزیر بود، در اداره ی او کاریه شکل بسیار بهتر از اداره ی یک مرد انجام می شد. اسنادی هم وجود دارد که خانم ها توانا بودند و توانستند مسئولیت خود را به درستی انجام بدهند. بحثی اینکه خانم ها رفته اند به طرف گروه ها و احزاب؛ نه قابل اعتماد است و نه قابل قبول. فکر می کنیم بجای این موضوع در صدد تقویت این گفتگمان باشیم که فرصت های برابر را برای مرد و زن به وجود بیآوریم و بعد با توجه به فرصت ها و امکانات برابر، در شرایط برابر کار مساوی از آنها بخواهیم. شما زنی را که سالها در خانه نگهداشته اید، به حق خودش دسترسی نداشته است، نگذاشته اید که تحصیل کند و رشته ی تحصیلی خود را انتخاب کند، نگذاشتید در مورد ازدواجش تصمیم بگیرد، حالا از اومی خواهد یا مردی که در عین خانواده بزرگ شده، ولی بیشترین فرصت، بیشترین امکانات و توجه همه را با خود داشته است، یکسان کار کند؛ این عادلانه نیست. در صورتی که زن ها فرصت برابر با مردها در قسمت آموزش، حمایت و امکانات داشته باشند، انجینر خوب شده می توانند، معدن کار خوب شده می توانند و رییس جمهور خوب شده می توانند. اگر فرصت برابر وجود می داشت ما امروز برابر رییس جمهور کزی و رییس جمهور غنی، خانم هایی را هم داشتیم. اما سال ها زنان در پشت خانه ها با یک زندگی مشقت بارینیم جمع کرده اند، امروز از آنها کار برابر خواسته می شود. و زمانی هم اندک مشکل ایجاد شد گفته می شود که خانم ها توانایی ندارند.

بعضی از خشونت زن علیه زن هم حرف زده می شود؛ رای نیابردن خانم نهان از پارلمان را، عده ای به این

موضوع ربط می دهند، که زنان در پارلمان از او حمایت نکرده اند. موافق نیستیم. اگر ۶۹ رای زنان در پارلمان به تعیین وزیر می انجامید، شما از خانم ها می پرسیدید که چرا شما زنان وزیر ندارید. هر وزیری که در مجلس می آید، به صد و چند رای نیاز است و ۶۹ رای خانم ها نه یک خانم وزیر شده می تواند و استیضاح شده می تواند، چون رای کافی نیست. ما زنان ۲۳٪ پارلمان هستیم و از طرفی دیگر، حداقل در همین رای گیری ثابت شد که زنان به زنان رای داده اند و رای علنی بود. ما گفتیم که ما به خان نهان رای می دهیم تا گفتگمان مخربی که زن به زن رای نمی دهد را باطل کنیم. من از نهاد های جامعه مدنی و کسانی که در این راستا می نویسند، می خواهم که قضاوت عادلانه کنند. مردها بهترین راه برای شان که بگویند، ما زن سستیز نیستیم، این است که بگویند خانم ها به خانم ها رای نمی دهند. در حالی که اگر مردم و جامعه مدنی بسیج شوند و ۱۵۰ خانم را وارد پارلمان نمایند، آنوقت همه ی کابینه از زنان خواهد بود و ثابت می کند که زن هم به زن رای می دهد، حمایت می کند و زنان کارای لازم را هم دارند.

دلیل اصلی رای نیابردن خانم نهان از مجلس چه بوده است؟
مجلس نمایندگان مستقیم از مردم رای گرفته است و شکل واقعی افغانستان کوچک است. اگر زن سستیزی در پارلمان وجود دارد، نمادی از فرهنگی است که ما از قریه و ولایت خود آورده ایم. اگر بخواهیم که تغییر ایجاد کنیم، افکار عمومی جامعه را بسیج کنیم و بفهمانیم که زن سستیزی جواب نمی دهد. جامعه با یک بال پرواز کرده نمی تواند. ما به طرف انکشاف نمی رویم. ما از قریه باید توسعه ی سیاسی را شروع کنیم؛ نه از سطح مجلس نمایندگان. خانمی که قریه دار رای می دهد باید از او بخواهد که برای تغییر وضعیت او در همان مکان کاری انجام بدهد. چون قریه است که نماینده روان می کند، در مجلس. افکار او را هیچ کسی تغییر داده نمی تواند، مگر کسانی که به او رای می دهند. در قسمت زنانی که در مجلس است، می خواهم یک موضوع دیگر را مطرح کنم؛ وکیل زن و مردی که از عین ولایت آمده در مجلس، مراجعین آنها از ولایت شان، هم مردان و هم زنان، به در خانه ی وکیل زن مراجعه می کنند چون در این خانم همیشه باز است؛ مردم با عریضه، چالش و مشکلی که دارند، به در خانه ی همین زن می آیند، کم کم این گفتگمان ایجاد شده است که زن از مرد هم می تواند نمایندگی کند، مشکل مرد را هم می تواند حل کند؛ زن تنها نیامده اند که از زنان نمایندگی کند. این شروع یک تحول بسیار خوبی است در عرصه ی نمایندگی که ما ثابت کنیم زنها نماینده ی مردان جامعه و زنان جامعه است، که شروعی یک حمایت مردمی می تواند از زنان شکل بگیرد. من باور دارم وقتی از بدخشان خانم کوفی ظهور کرد، وقتی از کابل خان بارکزی ظهور کرد، مردمی که به من رای دادند، خواستند کوفی و بارکزی خود را از ولایت خود داشته باشند. ما باید ثابت بسازیم که این دروازه، دروازه ی وکالت است. و هیچ برجسی نمی تواند راه نمایندگی را بسته کند. اگر ۱۴ سال پیش زنان سمبل جندربود در مجلس، امروز نماد خدمت برای مردم خودش است؛ و این باید برجسته شود.

حضور خود شما در کمیسیون امور بین الملل مجلس، چقدر تعیین کننده و تأثیر گذار بوده است؟
من تنها خانمی هستم که سواد روابط بین الملل دارم و در هر کمیسیونی هم حضور دارم، وقتی موضوع روابط بین الملل در میان باشد. دلیلی که من این حضور را مؤثر ارزیابی می کنم اینست که تا پیش از این خانم ها فقط در مسایل اجتماعی، حقوق بشر و جندربود حرف می زدند. وقتی خانمی می آید در مسایل دیپلماتیک و روابط بین الملل حرف می زند و عملن کار می کند، این بسیار

های شان در چهار دیواری های سنتی محدود گشته اند. تاریخ همواره به نفع مردان رقم خورده است. زنان موجودات منفعل، نا خود آگاه و محروم از ارزش های مهم اجتماعی در زندگی بوده و به عنوان جنس دوم تلقی شده اند. قبل از این که دانایی، توانایی، ظرفیت و کار آیی آن ها مد نظر قرار گیرد، نگاه جنسیتی به آنان است که توانایی های شان را تحت شعاع قرار داده و مانع حضور آنان در حوزه ی اشتغال می شود. از سوی دیگر زنان با توجه به این که همگام با مردان در مراکز آموزشی درس می خوانند و با توانایی فارغ می شوند اما هنگام جذب در بازار کار مورد بی توجهی کارفرمایان قرار می گیرند که این امر باعث افسرده گی و از بین رفتن روحیه زنان در اجتماع می گردد. در نتیجه باید گفت که وضعیت موجود تغییر نخواهد کرد مگر با توجه جدی و همه جانبه ی دولت، ساختارها و نهاد های یک جامعه. برای افزایش فرصت های شغلی زنان تحصیل کرده، باید کار های بنیادی صورت بگیرد و اولین گام، اصلاح ساختارها و تغییر در باور ها و عقاید جامعه است که بزرگترین مانع در برابر

جدیدگیسو
کچه مهتاب ساحل

آن جا تو زیر خنده می رقصی
از پشت بغضم گوش می گیرم
آن جا تو با هم خنده می رقصی
من زیر اشکم دوش می گیرم

می بوسی اش، جای لب ت در من
فندک به جان تلخ سیگار است
دستی که می بافی به موهایش
دور گلویم حلقه ی دار است

ماهی ستم در دیگی از روغن
وقتی ترا آغوش می گیرد
من شعله شعله آتشم وقتی
یک جای با تو دوش می گیرد

نفرت صدایش می زنی عشق است
دنیای محترمم در آغوش
دیوانه؛ اما قسمتش شوم است
یک روز خواهد شد فراموش

«او سرو سبز روسری سرخات»
من همیز تر در بخاری تان
بر شعله ام بطرول می باشد
شب، در بر هم بی قراری تان

خوش باد عیشت ای یگانه یار
هر چند می دانم که غمگینی
خوابیده در پهلوی گرم او
هر شب مرا کابوس می بینی

با این همه نامهربانی ها
چون روز اول دوست دارم
آهوی تنهاییم، پلنگ من!
جنگل به جنگل دوست دارم

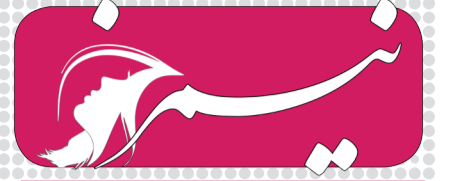
متفاوت از آن چارچوب های قبلی است. وقتی ما از همگرایی منطقه بی، از روابط افغانستان با کشورهای دیگر و چالش ها در دستگاه دیپلماتیک، حرف می زنیم؛ و این تحلیل از دید یک زن انجام می شود، فکرمی کنم شروع خوبی است برای زنان که بعد از انتخابات از همین آدرس بیابند و کار بکنند؛ نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین المللی تأثیر گذار باشد.

اشتغال زنان محسوب می گردد و در گام دوم باید فرصت های شغلی را برای زنان تحصیل کرده افزایش داد که این امر توجه جدی دولت مداران را به این عرصه می طلبند؛ همچنان افزایش اعتماد به نفس در بین زنان و ایجاد باورمندی نسبت به توانایی های شان، می تواند در جهت پیشبرد این هدف، تأثیر به سزایی داشته باشد.

تحلیل
کچه فاطمه روشنیان

زنان، تحصیل و شغل

اما متأسفانه به زنان در افغانستان، مجال برای فعالیت در حوزه های عمومی آن طوری که باید وجود می داشت ندارد و حضور زنان در بازار کار افغانستان متناسب با افزایش سطح تحصیلات آنان افزایش نیافته است. موانع بسیاری بر سر راه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی زنان وجود داشته و پدیده ی بیکاری در میان تحصیل کرده ها در همه جا قابل دید است که با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص میزان آن متفاوت می باشد. در شرایط فعلی



Nimrokh Weekly

سال اول • شماره ۱۷ • دوشنبه ۱۱ جدی ۱۳۹۶
Monday • January 1, 2018
Vol. 1 • No. 17



خوانندگان عزیز، نیمرخ بدون جهت گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته ها از صاحبان نظر را منتشر می کند. صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه روشنپیان
سردبیر: ریحانه رها
گزارشگر: آمنه امید
عکاس: نیلوفر نیکپور
مشاور برنامه ریزی: مریم شاهی
زیر نظر هیئت تحریر
بجز رویکرد نیمرخ سایر نوشته ها مسئولیتش به دوش نویسندگان می باشد.
هفته نامه نیمرخ
در ویرایش مطالب دست باز دارد.
شماره تماس: ۰۷۸۶۶۷۷۵۹۹
آدرس الکترونیکی:
nimrokhweekly7@gmail.com

دیدگاه

کبر علی فکور



تابوی بکارت؛ غنیمتی در چنگ مردان

بکارت، در جامعه افغانستان یک تابویی هیولا مانند است که اگر جامعه از آن عبور نکرده باشند، زنان قربانی سنگین می پردازند و مردان منفعت می برند. در مورد بکارت، از آن جهت که انواع متفاوت دارد و به دلایل گوناگون از بین می رود، لازم است آگاهی دهی کافی صورت گیرد تا زندگی دختران از خطر زوال و سقوط و تحقیر و شکنجه و طلاق های سر به خودی نجات یابد. قبل از هر چیز، باید دلایل از بین رفتن بکارت روشن شود. آن طوری که پزشکی امروز ثابت کرده است، بیش از ۹۰ درصد زایل شدن بکارت غیر عمدی و غیر اختیاری است؛ در حالی که دختران در هر دو صورت قربانی این ذهنیت پلید و غیر انسانی می شوند. من در جاهای دیگر هم یاد آور شده ام که داشتن یا نداشتن بکارت، به هیچ عنوان معیار سنجش نجابت یک دختر نیست؛ زیرا بکارت در میان تمام دختران و حتی از زمان تولد شان نیست یا در سنینی که نمی توانند به سکس و امور جنسی فکر کنند، از بین می رود. در جامعه سنتی مذهبی ما به دلیل سرکوب امور جنسی و هزینه های سنگین عبور از این خط سرخ، احتمال از بین رفتن بکارت در اثر سکس خیلی واقع بینانه نیست. به عبارت دیگر، دلایل دیگری مانند دزدیدن و پریدن، لت و کوب شدن، سقوط از ارتفاع، راه یافتن ذرات پنبه و دستمال در زمان قاعدگی، ایجاد زخم در اثر بیماری های مختلف مثل دیفتری، پرت شدن از روی شش تیز یا محکم، معاینات و ابزار پزشکی، خارش شدید مهبل، خود ارضایی، دخول اجسام خارجی و... نیز وجود دارند که آسیب پذیری دختران را در مقابل این تابو بیشتر و احتمال زایل شدن بکارت در اثر سکس را کم تر می کند. یقیناً اگر مردان آگاهی کافی در مورد نداشته باشند، زندگی بعد از ازدواج دختران سیاه و تاریک خواهد شد. تابو پنداری و مقدس انگاری بکارت، هزینه های سنگین برای مردان نیز دارد. هزینه های سنگین ازدواج و رسم و رواج ناپسند اجتماعی، بعد از طلاق زن اول یا دوم و ازدواج با فرد دوم یا سوم، می تواند کمر شکن باشد. در قدم دوم، حساسیت زدایی از بکارت و تقدس و تقلیل دادن آن به امر فردی و خصوصی، راه گشا خواهد بود. این به معنای آزادی محض در امور جنسی و سرکشی از چارچوب قراردادهای ازدواج نیست، بلکه تنزل بار اجتماعی و خانوادگی زوال بکارت، به شخص و به

دلایل دیگری که ممکن است به صورت غیر اختیاری نقش داشته باشد، هست. حتی اگر دختری پیش از ازدواج سکس کرده باشد و بکارت اش در اثر سکس از بین رفته باشد را نمی توان سرزنش کرد، مگر این که طرف مقابل هم سکس نکرده باشد. ادعای بکارت را صرف مردانی می توانند که خود «باکره (دست نخورده)» باشند. وارد کردن بکارت به حریم خصوصی دختران، مانند خیلی از مسایل دیگر مثل داشتن/نداشتن رابطه ای عاطفی با شخص یا اشخاص دیگر همان اندازه مهم است که ناموسی پنداری آن. نه باکره بودن نشانه ای افتخار است و نه باکره نبودن، شرم و ننگ. در مقابل، خیلی از مسایل دیگر هست که می شود نجابت و پاکی یک انسان را سنجید. به هیچ کس پوشیده نیست که دختران مانند پسران نیازهای جنسی و شهوانی دارند. در جامعه ای که مردان می توانند این نیازها را رفع کنند، تابو پنداری بکارت مانع اصلی در برابر دختران جوان و باعث سرکوب نیازها و تبعیضی عقده های جنسی است. در قدم سوم، تغییر معیارها و سنجش گرها نقش حیاتی دارند. سنجش گره های فعلی یک جانبه و به نفع مردان است. چگونه می شود نجابت مردان را سنجید؟ پاکی اخلاقی آن هابی که خود هزینه سنگین قربانی دختران را می دانند، اما با زندگی آن ها بازی می کنند و زوال بکارت یک دختر را افتخار می دانند را با چه معیاری باید سنجید؟ در جامعه ای که نداشتن بکارت را مساوی با «فاحشگی» می دانند، چه چیزی می تواند معیار فاحشگی مردانی باشد که برای یک بار سکس کردن با همانی که



ولسمشر غني په بادغيس ولايت کې څو لويې ودانيزې پروژې پرانستې چې له مخې به يې د افغانستان حلقوي سرک د جوړېدو چارې بشپړې شي. د ۸۵ ميليونو ډالرو دغه پروژې په بشپړېدو سره به، د سيمې خلک وکولى شي د خپلو اړتيا وړ چوپړتياوو لکه روغتونو او ښوونځيو ته لاسرسى ومومي او په سيمه کې ورڅخه د يوې سوداگريزې لويې لارې په توگه کار واخلي.



رئيس جمهور غنی چندین پروژه بزرگ ساختمانی را در ولایت بادغیس افتتاح کرد که با تطبیق آن، کار ساخت سرک حلقوی افغانستان تکمیل خواهد شد. با اكمال این پروژه ۸۵ میلیون دالری، این جاده مردم را به خدمات مورد نیاز شان مثل شفاخانه ها و مکاتب وصل و مسیر تجارتي را در سراسر منطقه فراهم می کند.

زموږ د دولت بريا زموږ بريا ده!
موفقيت دولت ما موفقيت ماست!